

Investigating the Geopolitical Competition between Iran and Saudi Arabia in Southwest Asia based on the Theory of Thompson and Claremont (2010-2022)

Seyed Mehdi Mousavi Shahidi^{*} 

Assistant Professor of Political Geography, AJA University of Command and Staff, Tehran, Iran,
Mehdi7moosavi@gmail.com

Golamreza Nasirpour

Assistant Professor of AJA University of Command and Staff, Tehran, Iran,
g.r.nasirpour@gmail.com

Bahador Zarei 

Associate Professor of Political Geography, University of Tehran, Iran, b.zarei@ut.ac.ir

Abstract

Iran and Saudi Arabia, as two key players in Southwest Asia, along with Turkey and the Israeli regime, are trying to increase their power and shape their desired geopolitical model in this geographical area. In this regard, this research, using the theory of “Thompson and Claremont”, seeks to investigate the dimensions of the geopolitical competition between Iran and Saudi Arabia in Southwest Asia.

Method: The method used in this research is “descriptive-analytical” and the method of collecting library and documentary information.

Results: The results of the research according to the theory of Thompson and Clermont show that the geopolitical competition of two countries in Southwest Asia is in three dimensions “spatial competition, situational competition and ideological competition”. In the space dimension, the competition between the two countries has been going on in important space centers in Southwest Asia such as Iraq, Bahrain, Yemen, Syria and Lebanon. In the situational dimension of the competition between the two countries, in the geostrategic dimension and trying to achieve their goals in the South West Asia region, there has been an effort to equip more military and economic competition in the form of selling energy resources and dominating the energy resources transmission corridors. In the ideological dimension, the main competition between the two countries has been in the field of religious competition in the form of Shiism and Wahhabism, and efforts to form alliances with other countries.

Conclusion: In this regard, Iran’s foreign policy approach is to support the axis of resistance and try to expand its dimensions, and Saudi Arabia’s effort is to support Takfiri groups and use skillful diplomacy to form a coalition against Iran with American support. It should be said that due to the peace agreement of the Israeli regime with the Arab countries and the creeping movement of Saudi Arabia in this direction, in the future we will witness the expansion of the competitive dimensions of the two countries in the geopolitical field of Southwest Asia.

Key Words: Iran, Saudi Arabia, Geopolitical Competition, Southwest Asia, Thompson and Claremont.

Article Type: Research

* Received on 18 December, 2023 Accepted on 4 March, 2024

Cite this article: Mousavi Shahidi, Nasirpour & Zarei (2025) Investigating the Geopolitical Competition between Iran and Saudi Arabia in Southwest Asia based on the Theory of Thompson and Claremont (2010-2022), winter 2025, Vol.13, NO.4, 99-127.

DOI: 10.30479/psiw.2025.19720.3296



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University.

Corresponding Author: Mohammad Hassan Mahdavi (hasan1267258@gmail.com)

بررسی رقابت ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در آسیای جنوب غربی بر محوریت نظریه تامپسون و کلرمونت (۲۰۱۰-۲۰۲۲)

سید مهدی موسوی شهیدی* ID

استادیار جغرافیای سیاسی، گروه ژئوپلیتیک، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران، Mehdi7moosavi@gmail.com

غلامرضا نصیرپور

عضو هیئت علمی دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران، G.R.Nasirpour@gmail.com

بهادر زارعی ID

دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، B.zarei@ut.ac.ir

چکیده

هدف: ایران و عربستان به عنوان دو بازیگر کلیدی در آسیای جنوب غربی در کنار ترکیه و رژیم اسرائیل در حال تلاش برای افزایش قدرت و شکل دادن به الگوی ژئوپلیتیکی مدنظر خود در این حوزه جغرافیایی هستند. وقوع بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۰ بر رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور ایران و عربستان در منطقه دامن زد و منطقه صحنه رقابت دو کشور قرار گرفت. در این راستا این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه «تامپسون و کلرمونت» به دنبال بررسی ابعاد رقابت ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در جنوب غرب آسیا در بازه زمانی ۲۰۱۰-۲۰۲۲ است.

روش‌شناسی: روش مورد استفاده در این پژوهش از بعد هدف «کاربردی» و از بعد ماهیت «توصیفی - تحلیلی» و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی است.

یافته‌ها: نتایج حاصل از پژوهش متناسب با نظریه تامپسون و کلرمونت نشان می‌دهد که رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور در آسیای جنوب غربی در سه بعد «رقابت فضایی، رقابت موقعیتی و رقابت اندیشه‌ای» قرار دارد. در بعد فضایی رقابت دو کشور در کانون‌هایی فضایی مهم در آسیای جنوب غربی نظیر عراق، بحرین، یمن، سوریه و لبنان در جریان بوده است. در بعد موقعیتی رقابت دو کشور در بعد ژئواستراتژیک و تلاش برای دستیابی به اهداف خود در منطقه آسیای جنوب غرب، تلاش برای تجهیز نظامی بیشتر و رقابت اقتصادی در قالب فروش منابع انرژی و تسلط بر گذرگاه‌های انتقال منابع انرژی قرار داشته است. در بعد اندیشه‌ای نیز رقابت اصلی دو کشور در زمینه رقابت مذهبی در قالب دو اندیشه تشیع و وهابیت و تلاش برای ائتلاف‌سازی با دیگر کشورها قرار داشته است.

نتیجه‌گیری: در این راستا نوع رویکرد سیاست خارجی ایران در این دوره حمایت از محور مقاومت و تلاش برای گسترش ابعاد آن بوده است و تلاش عربستان حمایت از گروه‌های تکفیری و به‌کارگیری دیپلماسی ماهرانه برای شکل دادن به ائتلاف علیه ایران با حمایت‌های آمریکا بوده است.

واژگان کلیدی: ایران، عربستان، رقابت ژئوپلیتیکی، آسیای جنوب غرب، تامپسون و کلرمونت.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۹/۲۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴

استناد: موسوی شهیدی، نصیرپور و زارعی (۱۴۰۳)، بررسی رقابت ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در آسیای جنوب غربی بر محوریت نظریه تامپسون و کلرمونت (۲۰۱۰-۲۰۲۲)، زمستان ۱۴۰۳، دوره ۱۳، شماره ۴، پیاپی ۵۲: ۹۹-۱۲۷.



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) حق مؤلف ©

۱- مقدمه

جهان در قرن بیست و یکم شاهد رقابت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی بر سر منابع است. در این میان، حوزه‌های ژئوپلیتیکی مهمی در پیرامون ایران قرار دارند که می‌توان به حوزه‌هایی نظیر آسیای جنوبی، قفقاز جنوبی، خزر، خلیج فارس، شرق مدیترانه و آسیای جنوب غرب اشاره کرد. حوزه ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا یکی از حوزه‌های ژئوپلیتیکی مهم در جهان است. اهمیت این حوزه به خاطر وجود منابع معدنی به‌خصوص منابع انرژی موجود در این منطقه، وجود گروه‌های قومی و مذهبی موجود در منطقه، تلاش قدرت‌های فرامنطقه‌ای بخصوص آمریکا، چین، اروپا، روسیه و... برای تأثیرگذاری در این منطقه، وجود گذرگاه‌ها و تنگه‌های استراتژیک انتقال منابع انرژی نظیر تنگه هرمز، بسفر، داردانل، باب‌المندب و... است.

بررسی نظم ژئوپلیتیکی حاکم بر منطقه بیانگر وجود یک ساختار ژئوپلیتیکی چندقطبی در منطقه باوجود قدرت‌هایی نظیر ایران، عربستان، ترکیه و رژیم اسرائیل است. بنابراین ایران و عربستان به‌عنوان دو قدرت منطقه‌ای در منطقه آسیای جنوب غربی در حال رقابت ژئوپلیتیکی برای افزایش قدرت خود و نفوذ ژئوپلیتیکی بر منطقه هستند.

بررسی روابط بین دو کشور در روند تاریخی بیانگر فراز و نشیب در روابط دو کشور بوده است. بدین‌صورت که هر دو کشور قبل از شکل‌گیری انقلاب اسلامی در قالب سیاست دو ستونه آمریکا در خاورمیانه در تعامل و همکاری با یکدیگر سپری می‌کردند؛ اما پس از شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷ روابط دو کشور دچار تغییر و تحول شد. در این راستا عواملی نظیر شکل‌گیری جنگ تحمیلی، حادثه یازده سپتامبر، شکل‌گیری بیداری اسلامی در کشورهای عربی پس از سال ۱۳۸۹، ژئوپلیتیک هسته‌ای و تلاش ایران برای دستیابی به انرژی هسته‌ای، ائتلاف‌سازی اسرائیل با کشورهای عربی با عنوان صلح ابراهیم و... بر روابط دو کشور تأثیرگذار بوده است.

در این میان یکی از نقاط عطف در شکل‌گیری روابط دو کشور، بیداری اسلامی بوده است. در واقع پس از ناآرامی‌های دومین‌وار کشورهای عربی در سال ۲۰۱۲ شکاف و رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور در منطقه آسیای جنوب غربی بیشتر شد و ماهیت روابط دو کشور از بعد ژئوپلیتیک بیش از هر حوزه دیگری قابلیت بحث و بررسی پیدا کرد؛ چرا که کشورهای منطقه صحنه رقابت دو کشور در بازه زمانی (۲۰۱۲-۲۰۲۲) قرار گرفت. در این راستا با توجه به سطوح رقابت دو کشور، حوزه جغرافیایی جنوب غرب آسیا به‌عنوان سطح اصلی رقابت دو کشور محسوب می‌شود. بنابراین مسئله اصلی این پژوهش این است که چه عوامل و زمینه‌هایی منجر به رقابت ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در جنوب غرب آسیا در بازه زمانی (۲۰۱۲-۲۰۲۲) شده است؟

چهار چوب نظری

مفاهیم نظری پژوهش

ژئوپلیتیک

مفهوم ژئوپلیتیک از ابتدای ابداع و شکل‌گیری اولیه ساختار فکری-تحلیلی آن توسط «رودولف شلین» سوئدی در اواخر قرن نوزدهم (۱۸۹۹) تاکنون سیر دگرگونی‌ها و برداشت‌های گوناگونی را سپری کرده است و یک رویکرد را برای تحلیل روابط و سیاست خارجی کشوری با دیگر کشورها ارائه می‌دهد.

«آرون»^۱ معتقد است ژئوپلیتیک ترکیبی است از برنامه‌ریزی جغرافیایی با منابع اقتصادی که در این راستا هم روابط دیپلماتیک برنامه‌ریزی می‌شود و هم به ژئواکونومیک و منابع اقتصادی توجه می‌شود (Aron, 2019). درواقع «ژئوپلیتیک تلاش برای جلب‌توجه به اهمیت برخی الگوهای جغرافیایی مشخص در تاریخ سیاسی کشورها است. این یک ایده درباره روابط فضایی و نقش پدیده‌های جغرافیایی در شکل‌گیری وقایع تاریخی است» (Sloan, 2020: 8). گریگیل^۲ معتقد است که ژئوپلیتیک دارای دو عامل تشکیل‌دهنده است: خطوط ارتباطی و افزایش اهمیت آن‌ها به دلیل تغییرات در حمل‌ونقل و تسلیحات فناوری و موقعیت منابع طبیعی و نقش آن‌ها در قدرت اقتصادی کشورها (Grygiel, 2016: 24-25). هاگمن^۳ معتقد است ژئوپلیتیک باید یک حوزه مطالعاتی در نظر گرفته شود که محل تلاقی سه رشته مهم است. این سه حوزه عبارت است از جغرافیا، مطالعات استراتژیک و تاریخ (Haggman, 2018: 107). آنچه از تعاریف ارائه‌شده از ژئوپلیتیک درک می‌شود تأکید بر نقش ژئوپلیتیک در روابط بین کشورها و تأکید بر مؤلفه‌های جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی است که می‌تواند بر تصمیم سیاستمداران تأثیرگذار باشد و وقایع تاریخی هم‌گواه این واقعیت است که همواره مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی نقش اساسی در شکل‌گیری رخدادهای سیاسی مهم نظیر جنگ‌های جهانی و شکل‌گیری کشورهای مستقل داشته است (Gray, 2013: 125). از سوی دیگر دی‌لئون پیتا^۴ معتقد است که ابعاد موضوعی ژئوپلیتیک در سه طیف موضوعات سیاسی، اقتصادی و نظامی قرار دارد. در این میان ابعاد سیاسی شامل «مدیریت داخلی، روابط میان کشورها، دیپلماسی، تنش‌های کوچک‌مقیاس، سرمایه‌گذاری‌ها، کشورهای هم‌پیمان و شرکا»، ابعاد اقتصادی شامل «منابع طبیعی، تولیدات مکان‌محور» و ابعاد نظامی شامل «امنیت داخلی و امنیت بین‌المللی» است (Petta, 2019: 51).

1.R. Aron

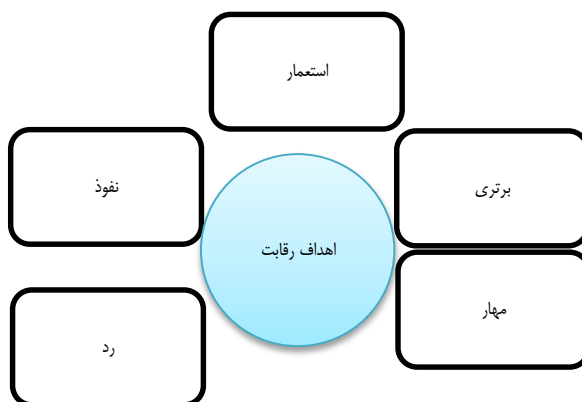
2.J.J. Grygiel

3.Haggman

4.Di Leon Pita

رقابت ژئوپلیتیک

رقابت ژئوپلیتیکی به وضعیتی اطلاق می‌شود که کشورها و دولت‌ها به‌طور مستمر با یکدیگر در راستای گسترش منافع خود رقابت می‌کنند و به دنبال تغییر نظم موجود به نفع خودشان هستند (Blacksell, 2004: 5). برخورد منافع میان کشورها (بلوک کشورها)، بر پایه تثبیت موقعیت منطبق بر وضعیت فرصت‌های خودشان در روابط بین‌الملل است (Kovalev et al, 2017: 24). یودین^۱ (۲۰۱۴)، رقابت ژئوپلیتیکی را نتیجه تضاد و برخورد انواع مختلف نظام‌های کشوری و دیگران می‌داند؛ زالیوسکی^۲ (۲۰۱۴)، رقابت‌های ژئوپلیتیکی را نتیجه برخورد بین کشورها برای رهبری اقتصادی و برای کنترل منابع و تدارک نفوذ اطلاعاتی تعریف می‌کند. این تعریف اشاره به وجود ظرفیت برای چانه‌زنی اجباری در فعل‌وانفعالات متقابل هر کشور با دیگر کشورها در محیط ژئوپلیتیکی خود دارد (Markowitz & Farsis, 2018:13).



شکل ۱: اهداف رقابت از منظر ژئوپلیتیک
ترسیم: نگارندگان

پیشینه تحقیق

— «پویایی تغییرات در خلیج فارس»^۳ عنوان کتابی است که توسط انوشیروان اهتشامی در سال ۲۰۱۸ در انتشارات روتلج به چاپ رسیده است. نویسنده در این کتاب معتقد است که خلیج فارس به عنوان یکی از مهم‌ترین آبراه‌های استراتژیک جهان شناخته می‌شود. از نظر جغرافیایی، ژئوپلیتیک، منابع، اقتصاد سیاسی جهانی و نفوذ منطقه‌ای، خلیج فارس شاید مهم‌ترین منطقه جهان باشد. این کتاب با تمرکز بر پیچیدگی‌های تعامل بین تغییرات در سطح داخلی و تعاملات

1. Yudin

2. Zalyvsky

3. Dynamics of Change in the Persian Gulf

در سراسر منطقه، اولین بررسی جامع از پویایی تغییرات در حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس را ارائه می‌دهد. این کتاب با رویکرد سیستماتیک، تأثیر جنگ و انقلاب بر کشورهای منطقه را مورد بررسی قرار داده است. و راههایی که این عوامل، معضلات و مشکلات امنیتی برای کشورهای خلیج فارس شکل داده است نیز بررسی شده است. همچنین نقش نفت از نظر تأثیر درآمد آن بر دولت‌های منطقه و ادغام این دولت‌ها در سیستم جهانی مورد بررسی قرار گرفته است. نفت زمان توسعه را در این کشورها کاهش داده و تغییر نسل را سریع کرده است.

– «بررسی سیستم امنیتی در خلیج فارس و اهمیت ژئوپلیتیکی تنگه هرمز»^۱ عنوان پایان‌نامه‌ای است که در دانشگاه برنو در کشور جمهوری چک توسط دانا کروسوا در سال ۲۰۱۶ نگاشته شده است. نویسنده در این پژوهش روند تغییر «امنیت منطقه‌ای» در خلیج فارس را از زمان خروج بریتانیا از خلیج فارس در سال ۱۹۷۱ تا سال ۲۰۱۶ را مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش از مبانی نظری و سیستم‌های امنیتی «باری بوزان»^۲ و «واور»^۳ استفاده شده است. این نظریه‌ها برای تعیین چهارچوب اولیه و ارائه بینش عمیق‌تر در منطقه خلیج فارس استفاده شده است. در این پژوهش نویسنده بر اهمیت ژئوپلیتیکی تنگه هرمز و رابطه غیرقابل‌اجتناب آن با منطقه خلیج فارس تأکید می‌کند. نتایج پژوهش بیان‌کننده تغییرات در سیستم امنیتی خلیج فارس از زمان خروج بریتانیا در منطقه تا سال ۲۰۱۶ است.

– «ژئوپلیتیک فرقه‌گرایی در خلیج فارس»^۴ عنوان مقاله‌ای است که توسط یوسی رابی و چلسی مولر در سال ۲۰۱۸ در مجله مطالعات خاورمیانه و اسلام به چاپ رسیده است. نویسنده در این مقاله معتقد است که رقابت ژئوپلیتیک بین ایران و عربستان سعودی بسیاری از درگیری‌های جاری در سراسر خاورمیانه را تشدید می‌کند؛ از جمله جنگ‌های خونین نیابتی در یمن، عراق و سوریه. همچنین در این منطقه از آنجا که جنگ‌های نیابتی منطقه سنی‌ها را در برابر شیعیان قرار داده است، درگیری‌های مبتنی بر هویت نیز بسیار زیاد شده است. این مقاله به تحلیل ژئوپلیتیک فرقه‌گرایی در خلیج فارس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ در ایران با تمرکز بر نقش مسائل فرقه‌ای می‌پردازد. نویسندگان استدلال می‌کنند که افزایش سطح درگیری‌های فرقه‌ای که پس از سقوط صدام حسین خاورمیانه را فرا گرفته است، ریشه در توازن ناپایدار قدرت در منطقه خلیج فارس و درگیری بین دو وزنه سنگین خلیج فارس، یعنی ایران و عربستان سعودی دارد.

– «ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس»^۵ عنوان مقاله‌ای است که در سال ۲۰۱۲ توسط بارتوش بوجارچیک مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله نویسنده معتقد است که منطقه خلیج

1. Analysis of Regional Security in the Persian Gulf and the Geopolitical Importance of the Strait of Hormuz

2. Buzan

3. Wæver.

4. The Geopolitics of Sectarianism in the Persian Gulf

5. Geopolitics Of The Persian Gulf Region

فارس یکی از مهم‌ترین سیستم‌های امنیت انرژی در جهان محسوب می‌شود. مقدار زیاد منابع انرژی منطقه خلیج فارس را برای قدرت‌های جهانی بسیار باارزش ساخته است که این کشورها به دنبال حضور طولانی‌مدت در منطقه برای حفظ منافع اساسی خود هستند. علاوه بر عامل انرژی، خلیج فارس یک سیستم امنیتی بسیار شکننده دارد. منافع متضاد و متفاوت بین دولت‌های منطقه به همراه حضور متداوم نیروهای آمریکا در منطقه ماهیت و ساختار سیستم امنیتی را در این منطقه بسیار پیچیده کرده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که موقعیت ژئوپلیتیکی بحری، ویژگی‌های جمعیتی، واردات و صادرات نفت، اختلافات مرزی و سرزمینی از یک سو و سیاست‌های منطقه‌ای ایالات متحده آمریکا در منطقه مهم‌ترین مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی شکل‌دهنده به سیستم امنیتی خلیج فارس است.

• «چرخش روابط ایران و عربستان در دو بُعد تعامل و تقابل ژئوپلیتیکی و زمینه‌های شکل‌گیری آن‌ها» عنوان مقاله‌ای است که توسط موسوی شهیدی و همکاران در سال ۱۴۰۱ نگاشته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که الگوی روابط ایران و عربستان پس از انقلاب اسلامی تاکنون از تقابل به تعامل و برعکس از تعامل به تقابل ژئوپلیتیکی در چرخش بوده است. مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در روابط دو کشور نیز در این بازه زمانی شامل شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران، پایان جنگ تحمیلی، حادثه یازده سپتامبر، بیداری اسلامی، ژئواکونومیک و منابع انرژی، ژئوپلیتیک شیعه، دست‌یابی ایران به انرژی هسته‌ای، رویکرد امنیتی دو کشور، تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی مثل روی کار آمدن محمد بن سلمان در عربستان و دونالد ترامپ در آمریکا و نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای در روابط دو کشور بوده است.

• «تبیین زمینه‌های روابط ژئوپلیتیکی در منطقه خلیج فارس» عنوان مقاله‌ای است که توسط بهادر زارعی و سید مهدی موسوی شهیدی در سال ۱۴۰۰ نگاشته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین بسترها و زمینه‌های روابط ژئوپلیتیک میان کشورها در منطقه خلیج فارس در چهار بعد هیدروپلیتیک، ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر قرار دارد. مهم‌ترین بسترهای تأثیرگذار بر روابط کشورها نیز شامل موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه، ادعاهای سرزمینی کشورهای منطقه نسبت به یکدیگر، ایدئولوژیک‌گرایی منطقه، ساختار ژئوپلیتیک دو قطبی، رویکرد امنیتی متعارض کشورها، کمبود آب و رودخانه‌های مرزی مشترک، کدهای ژئوپلیتیک متعارض، رقابت برای هژمونی منطقه‌ای میان ایران و عربستان، عدم توافق در برخی از مرزهای دریایی مشترک، وجود تنگه استراتژیک هرمز، وزن ژئوپلیتیک نابرابر کشورهای منطقه، عدم موفقیت در شکل‌گیری یک سازمان منطقه‌ای جامع، پیوندهای مذهبی و قومی میان کشورهای منطقه است.

• «تأثیر علائق ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در ایجاد چالش‌های منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا» عنوان پژوهشی است که توسط محمدرضا حافظ نیا و ابراهیم رومینا در سال ۱۳۹۶ انجام

شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد کنش دو کشور ایران و عربستان در جنوب غرب آسیا تحت تأثیر متغیرهای مختلفی چون سابقه تاریخ، فرهنگی، رقابت ایدئولوژیک، ساختار سیاسی متعارض، رقابتهای دینی و مذهبی، گروه‌های قومی و مذهبی همسو در کشورهای متقابل و کنش سیاسی سطح فرامنطقه‌ای است. این عوامل در تولید و تداوم رقابت و منازعه بین دو کشور نقش آفرین بوده است و تحت تأثیر این رقابت و منازعه، به دلیل وابستگی بخش عمده‌ای از جهان تشدید بحران بین ایران و عربستان باعث شکل‌گیری تنش منطقه‌ای و در مرحله بعدی شکل‌گیری چالش در سطح جهانی خواهد شد.

• «تحول روابط ایران و عربستان و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک خلیج فارس» عنوان پژوهشی است که توسط محمدرضا حافظ نیا و ابراهیم رومینا در سال ۱۳۹۶ انجام شده و به این نتیجه رسیده است که روابط دو کشور در چهار دوره قبل از انقلاب اسلامی ایران، بعد از انقلاب اسلامی ایران تا پایان جنگ تحمیلی، از پایان جنگ تحمیلی تا یازده سپتامبر و از یازده سپتامبر تاکنون در تعامل، تقابل و رویارویی و رقابت در نوسان بوده است.

مبانی نظری

نظریه تامپسون – کلرمونت

پایان عمدتاً غیرمنتظره جنگ سرد و مشکلات بعدی در توضیح پایان آن، بر نیاز به درک بهتر پدیده رقابت‌ها در سیاست جهانی تأکید می‌کند؛ زیرا بخش قابل توجهی از درگیری‌های بین‌المللی در چهارچوب خصومت‌های متقابل گنجانده شده است. نادیده گرفتن زمینه‌های تقابل ممکن است به‌طور جدی کل تعهد تحلیلی (علم) روابط بین‌الملل را مخدوش کند (Thompson, 1995). ویلیام تامپسون^۱ در مقاله اصول رقابت‌ها^۲ برای توضیح رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی نظریه‌ای بر مبنای رقابت موقعیتی و فضایی کشورها ارائه کرد. تامپسون بر سه دسته رقابت «فضایی، موقعیتی و اندیشه‌ای» در نظریه خود تأکید کرده است. بر اساس این نظریه رقابت‌های فضایی به رقابتی گفته می‌شود که معمولاً بر سر سرزمین، منابع، راه‌های آبی، مناطق ماهیگیری راه‌های تجاری و... صورت گیرد؛ درحالی‌که رقابت موقعیتی، رقابت بر سر قدرت نسبی نظامی، کسب موقعیت سیاسی- اقتصادی و نفوذ سیاسی بر یک منطقه جغرافیایی است. در ادامه جین کلرمونت^۳ در مقاله رقابت‌های منطقه‌ای در شمال غرب آسیا^۴ رقابت اندیشه‌ای را به آن دو افزود؛ بدین معنا که رقابت همچنین می‌تواند برای تحمیل ایدئولوژی راهنما یا القای هویت ملی متفاوت

1. William Thompson

2 . Principles rivalries

3. Jean Clermont

4. Regional Rivalries in Northeast Asia

به دیگری نیز باشد (روحی دهنه، ۱۳۹۷: ۱۱۳). بعضی از مشخصات نظریه مذکور در ذیل توضیح داده شده است.

الف: علل و ریشه‌های رقابت

۱. جنبه‌های پایدار یا مناقشه برانگیز رقابت‌ها نباید به قیمت جنبه رقابتی مورد تأکید قرار گیرد. شناسایی متقابل رقبا به عنوان رقیب برای تولید فرایندهای مرتبط با رفتار رقابتی حیاتی است.

۲. ابعاد موقعیتی و فضایی در رقابت‌ها باید از یکدیگر متمایز شوند. رقابت‌های فضایی عمدتاً زمانی آغاز می‌شوند که دو یا چند دولت تصمیم می‌گیرند تا کنترل انحصاری بر یک قلمرو داشته باشند. رقابت‌های عمدتاً موقعیتی شامل درگیری بر سر موقعیت‌های نسبی نزدیک به رأس سلسله مراتب قدرت است.

۳. رقابت‌های موقعیتی باید در محیط ژئوپلیتیکی مناسب خود (مانند منطقه‌ای، جهانی، منطقه‌ای-جهانی و بین منطقه‌ای) قرار گیرند تا بهتر مشخص شود دقیقاً چه چیزی در خطر است یا چه نوع موقعیت‌هایی مورد مناقشه است.

۴. به دلیل تأکید بر کنترل سرزمین مورد مناقشه، رقابت‌های عمدتاً فضایی تمایل دارند کشورهایی را که نسبتاً به یکدیگر نزدیک هستند، درگیر کنند.

۵. رقابت‌های بین منطقه‌ای احتمالاً به عنوان درگیری‌های فضایی آغاز می‌شوند و زمانی که درگیری شدیدتر می‌شود، به رقابت‌های موقعیتی تبدیل می‌شوند (Thompson, 1995: 197).

ب: ویژگی‌های قابلیت رقابت

۱. رقابت‌های فضایی به قابلیت مقارن نیاز ندارند. با این حال، آن دسته از کشورهایی که با عدم تقارن قابلیت مشخص می‌شوند، بعید است که برای مدت طولانی رقیب فضایی باشند.

۲. رقبا موقعیتی حداقل به منابع کافی برای دستیابی به رهبری منطقه‌ای یا جهانی نیاز دارند. حداقل آستانه توانایی برای رهبری منطقه‌ای در هر منطقه متفاوت خواهد بود؛ همان‌طور که برتری و برجسته بودن برای رهبری منطقه‌ای نیز از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت است. علاوه بر این، آستانه توانایی و برجسته بودن، در طول زمان متفاوت خواهد بود.

۳. رقابت‌های موقعیتی، سطح تقارن توانایی‌ها را در نظر می‌گیرند.

۴. رقابت‌های موقعیتی به طور مستقیم با تغییرات در توزیع قابلیت‌ها مرتبط است؛ زیرا برخی از سطوح تغییرات پیوسته پیش‌نیاز چالش و برخی سطوح چالش پیش‌نیاز تغییرات ساختاری است.

ج: ویژگی‌های زمانی رقابت

۱. رقابت‌های فضایی تا زمانی که رقبا انتظارات لازم برای به دست آوردن و حفظ کنترل انحصاری سرزمینی داشته باشند، احتمالاً ادامه خواهند داشت.
۲. هر چه سرعت صعود، نزول (یا هردوی) رقبا موقعیتی بیشتر باشد، احتمال تداوم رقابت کمتر است.

د: ویژگی‌های استراتژی رقابت

۱. رقابت‌های فضایی و موقعیتی متقابل نیستند. رقابت‌های جهانی، به‌ویژه آن‌هایی که شامل استراتژی‌های مهار می‌شوند، تمایل به مضمون‌های فضایی قوی دارند.
۲. رقبا جهانی به احتمال زیاد در منطقه داخلی رقابت می‌کنند؛ زیرا در آنجا منافع گسترده آن‌ها (تجاری یا سرزمینی) نهفته است.

ه: رقابت‌ها و جنگ و صلح

۱. رقابت‌های فضایی نسبت به رقابت‌های موقعیتی، کمتر کشنده و رایج‌تر هستند.
۲. رقابت‌های فضایی با شعله‌های گاه‌وبیگاه و کوتاه مشخص می‌شوند.
۳. تصمیم‌گیرندگان در مهم‌ترین مناطق جهان به دنبال حل و فصل رقابت‌های منطقه‌ای از طریق جنگ بوده‌اند.
۴. رقابت‌های جهانی، برخلاف رقابت‌های منطقه‌ای، امور نسبتاً آرامی بوده‌اند.
۵. هر چه فاصله بین پایگاه‌های سرزمینی رقبا جهانی بیشتر باشد، احتمال جنگ کامل بین آن‌ها کمتر است.
۶. در غیاب رقابت ساختاری منطقه‌ای-جهانی، صلح طولانی مدت قدرت‌های اصلی محتمل‌تر است.
۷. مبارزه برای حل و فصل رقابت‌های منطقه‌ای-جهانی، معمولاً با تلاش برای تصرف سرزمینی آغاز می‌شود که موقعیت رهبر منطقه‌ای را برای رویارویی آینده با رهبر جهانی به شدت افزایش می‌دهد.
۸. بین تعداد انواع مختلف رقابت‌ها که در یک جنگ گرد هم آمده‌اند و اندازه نتایج آن جنگ، رابطه مثبت وجود دارد.

و: رقابت‌ها و دیگر فرایندها

۱. از آنجاکه رقابت‌ها شامل مناقشه‌کنندگان در منازعات پیاپی می‌شود، نتایج و درس‌هایی که از آن‌ها دریافت می‌شود، احتمالاً روی رفتارهای بعدی تأثیر می‌گذارد. بنابراین، درک الگوهای رقابت باید برای بررسی فرایندهای تعامل (مسابقه تسلیحاتی، بحران‌ها، بازدارندگی، چانه‌زنی و ادغام) حیاتی باشد.

۲. الگوهای رقابت باید بسیار مفیدتر از الگوهای اتحاد در پیش‌بینی اینکه چه کسی در نهایت با چه کسی و چه زمانی مبارزه می‌کند، مفید باشد.
۳. تأثیر الگوهای رقابت و تمایل آن‌ها به درگیر کردن انواع مختلف بازیگران مناقشات، باید به توضیح گسترش جنگ کمک کند.
۴. تأثیر قطبیت (و شاید دیگر ویژگی‌های سیستمی) احتمالاً به ماهیت رقابت‌های موقعیتی موجود و اینکه آیا تغییرات ساختاری مشوق درگیری‌های انتقال قدرت است، مشروط است.

ز: خاتمه رقابت

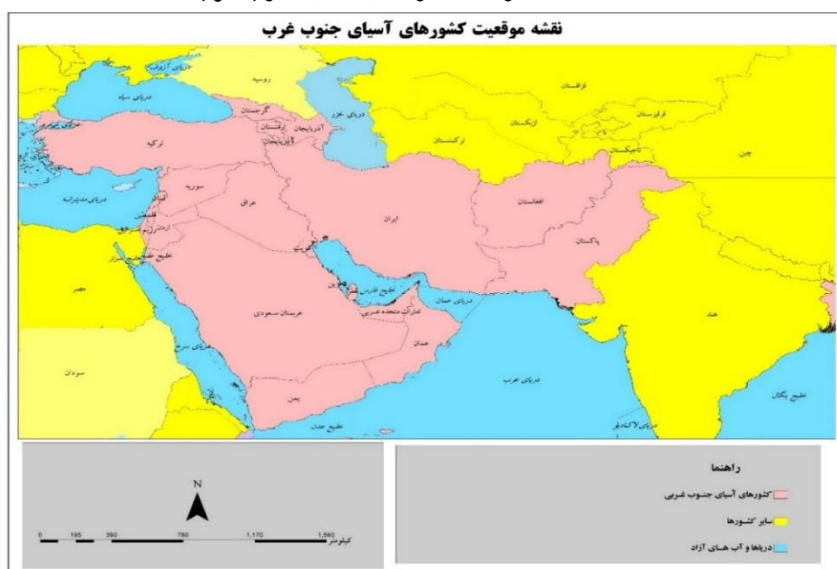
۱. رقابت‌های فضایی زمانی پایان می‌یابد که یکی از طرفین رقیب خود را متقاعد کند که انتظارات کنترل سرزمینی انحصاری آن‌ها دیگر منطقی نیست و دچار بودن در آن بسیار پرهزینه است یا دیگر به دردر آن نمی‌ارزد.
۲. تصرفات سرزمینی پایان رقابت فضایی را تضمین نخواهد کرد.
۳. حل اختلافات و رقابت‌های فضایی آسان‌تر از اختلافات و رقابت‌های ساختاری است.
۴. برای حل و فصل رقابت‌های موقعیتی، یک طرف باید رقیب خود را متقاعد کند که ادعاهایش برای رهبری واقعیت است. از نظر تاریخی، زور برای حل و فصل رقابت‌های موقعیتی ضروری بوده است؛ زیرا پایگاه منابع بازنده باید ابتدا یا در یک جنگ طولانی مدت، یک سری جنگ، یا در تلاش برای رقابت با رقیب اصلی خود تمام شود.
۵. اگر بتوان پایگاه منابع رقیب شکست‌خورده را بازسازی کرد، پایان یک رقابت موقعیتی ممکن است کوتاه مدت باشد.
۶. رقابت‌های موقعیتی واقعاً زمانی پایان می‌یابد که یک یا هر دو رقیب مجبور شوند به طور قابل توجهی و دائمی از سلسله مراتب قابلیت‌ها پایین بیایند، زمانی که جهت‌گیری‌های سیاست خارجی با ظهور یک تهدید جدید و بزرگ‌تر یا هر دو جابجا شود (Thompson, 1995: 195-224).

محیط‌شناسی

منطقه ژئوپلیتیکی «جنوب غرب آسیا» ۱۹ کشور مستقل را شامل می‌شود که عبارت از ایران، ترکیه، سوریه، عراق، اردن، لبنان، فلسطین اشغالی، عربستان، یمن، عمان، امارات متحده عربی، قطر، بحرین، کویت، پاکستان، افغانستان، آذربایجان، ارمنستان و گرجستان است. جنوب غربی آسیا به طور تاریخی یکی از کانون‌های عمده پیدایش تمدن‌ها و فرهنگ‌های دیرین بشر و از محورها و مسیرهای عمده تبادل فرهنگی، علمی و تجاری بین شرق و غرب عالم بوده است و بیش از ۹۰ درصد مردم کشورهای این منطقه مسلمان هستند (مازندرانی و جان‌پور، ۱۳۹۹).

به‌هرروی برای محدوده یادشده شناسه‌هایی برشمرده‌اند: ۱- جنوب غرب آسیا منطقه‌ای جغرافیایی و اعتقادی یکپارچه است. ۲- در سیاست‌های جهانی به‌سان یک مجموعه امنیتی تعریف می‌شود. ۳- این قلمرو محل ظهور ادیان و تمدن‌های بزرگ مانند اسلام، مسیحیت، یهودیت، ایران و مصر... است. ۴- محل تجمع فرهنگ‌ها و قومیت‌های گوناگونی مانند عرب، فارس، ترک، ترکمن، کرد، آشوری و... است که این موزاییک قومی و فرهنگی زمینه گسل‌های هویتی تنش‌زای بسیاری شده است. به‌هرروی منطقه جنوب غرب آسیا در حال حاضر با مجموعه‌ای از چالش‌های دیرپا و نوپا، با عمق و میزان اثرگذاری متفاوت رویاروست که شناخت آن‌ها در فهم روند و مسیر آینده آن‌ها گریزناپذیر می‌نماید؛ ازجمله چالش‌ها و مسائل مطرح در خاورمیانه عبارت‌اند از: اشغال سرزمین‌های فلسطینی و کشمکش برخاسته از آن، بی‌ثباتی در عراق، افغانستان و سوریه، تحرک و قدرت‌یابی گروه‌های افراطی، تروریسم، قاچاق مواد مخدر و تسلیحات، هم‌آوردی تسلیحاتی. چالش‌های اجتماعی همچون فقر، بیکاری، بی‌سوادی، تبعیض، تشدید شکاف‌های قومی و مذهبی و اختلاف میان شیعه و سنی، امنیت انرژی و حکومت‌های ناکارآمد و اقتدارگرا منطقه جنوب غرب آسیا را در زمره مناطق شکننده جهان قرار داده است (کاویانی راد و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۰).

نقشه شماره ۱: موقعیت کشورهای آسیای جنوب غرب

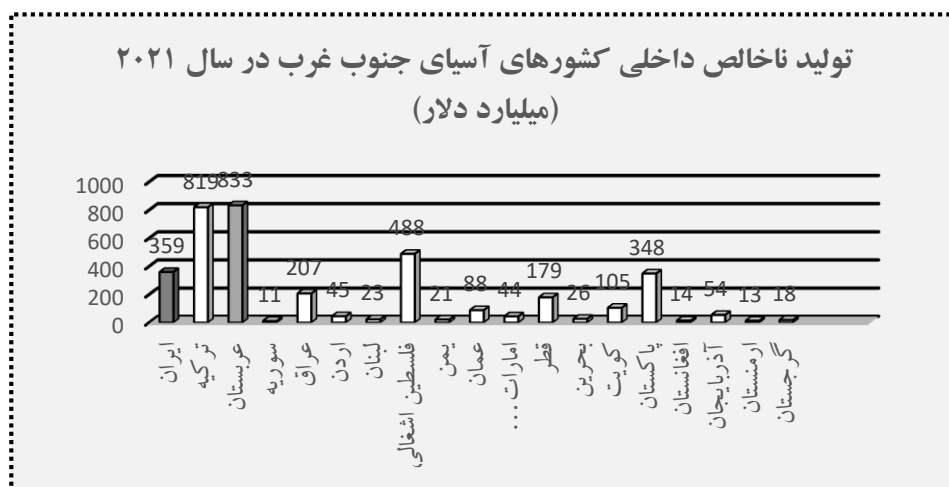


ترسیم: نگارندگان

بررسی وضعیت اقتصادی کشورهای حوزه جنوب غرب آسیا در سال ۲۰۲۱ نشان می‌دهد که عربستان سعودی با ۸۳۳ میلیارد دلار، ترکیه با ۸۱۹ میلیارد دلار، رژیم اسرائیل با ۴۸۸ میلیارد

دلار و جمهوری اسلامی ایران با ۳۵۹ میلیارد دلار بالاترین تولید ناخالص داخلی را در سال ۲۰۲۱ ثبت کرده‌اند (World bank, 2023).

شکل شماره ۲: وضعیت تولید ناخالص داخلی کشورهای حوزه جنوب غرب آسیا در سال ۲۰۲۱ (به میلیارد دلار)

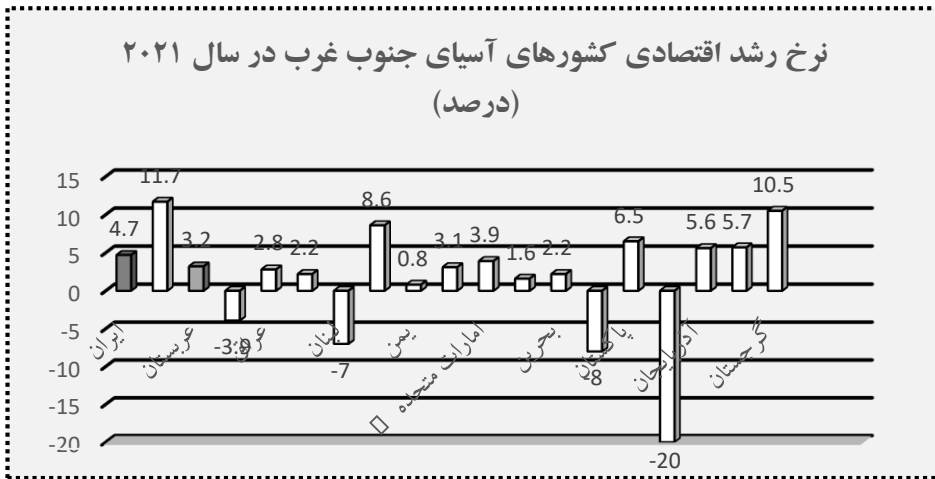


(World bank, 2023). (ترسیم: نگارندگان).

همان‌طور که در شکل بالا مشاهده می‌کنید در سال ۲۰۲۱ کشورهای سوریه با ۱۱ میلیارد دلار، ارمنستان با ۱۳ میلیارد دلار، افغانستان با ۱۴ میلیارد دلار و همچنین یمن با ۲۱ میلیارد دلار پایین‌ترین تولید ناخالص داخلی را در میان کشورهای آسیای جنوب غرب ثبت کرده‌اند (World bank, 2023).

همچنین نرخ رشد اقتصادی کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا در سال ۲۰۲۱ نیز نشان می‌دهد ترکیه با ۱۱,۷، گرجستان با ۱۰,۵، رژیم اسرائیل با ۸,۶، ارمنستان با ۵,۷، آذربایجان با ۵,۶ بالاترین نرخ رشد اقتصادی را در سال ۲۰۲۱ ثبت کرده‌اند (World bank, 2023).

شکل ۳: نرخ رشد اقتصادی کشورهای حوزه جنوب غرب آسیا در سال ۲۰۲۱ (درصد)



(World bank, 2023). (ترسیم: نگارندگان).

بررسی وضعیت نرخ رشد اقتصادی در میان کشورهای آسیای جنوب غربی نشان می‌دهد که کشورهای افغانستان با (-۲۰)، کویت با (-۸)، لبنان با (-۷) و سوریه با (-۳) در سال ۲۰۲۱ دارای نرخ رشد اقتصادی منفی در بین کشورهای آسیای جنوب غرب بوده‌اند (World bank, 2023).

روش تحقیق

روش این پژوهش بنا به اهمیت موضوع از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی و در عین حال بهره‌گیری از نظریه «تامپسون و کلرمونت» و ارائه یافته‌ها است. در این پژوهش جمع‌آوری اطلاعات و مستندات آن کتابخانه‌ای و اسنادی است. آمار و ارقام و تجزیه و تحلیل‌های لازم در خصوص منطقه مورد مطالعه و دو کشور ایران و عربستان از سایت‌های معتبر بین‌المللی و منابع مهم لاتین و متون علمی در حوزه ژئوپلیتیک جهت تحلیل زمینه‌های رقابت ایران و عربستان در این مقاله استفاده شده است. در راستای ترسیم نقشه‌ها نیز از نرم‌افزار ArcGis استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

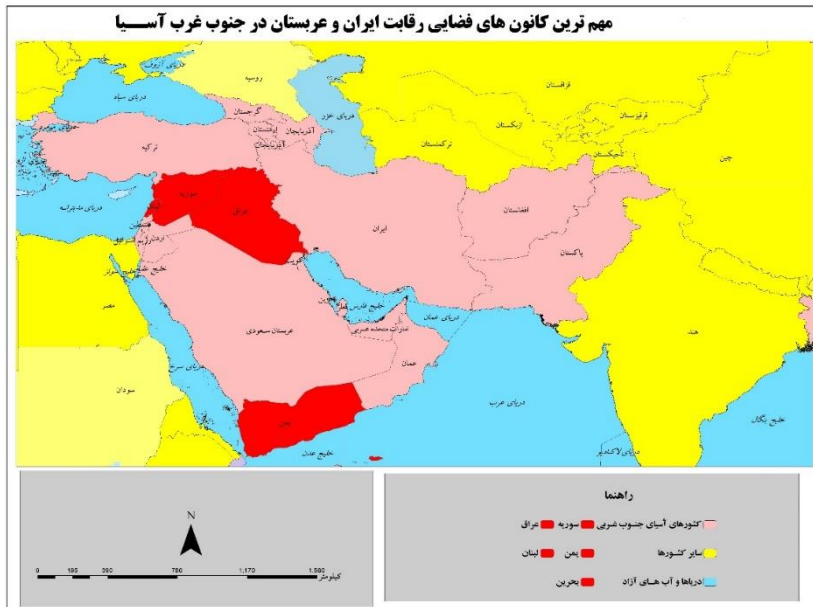
رقابت‌های فضایی

رقابت‌های فضایی اشاره به رقابت بر سر مکان‌های جغرافیایی میان کشورها دارد و این رقابت در حوزه ژئوپلیتیکی آسیای جنوب غربی بسیار مشاهده می‌گردد. درواقع آسیای جنوب غربی، شبکه ژئوپلیتیکی است که در آن شخصیت‌های مختلف برای کنترل و نفوذ در این منطقه به رقابت

می‌پردازند و چنین رقابتی در چند شبکه فرعی وجود دارد. عربستان سعودی، ایران، عراق، امارات متحده عربی، کویت و قطر به‌عنوان تولیدکنندگان انرژی و برخی از بازیگران جزئی مانند یمن، سوریه، عمان و مصر در این شبکه قرار دارند. علاوه بر ایران و عربستان باید ترکیه و رژیم اسرائیل را هم به‌عنوان بازیگران فعال منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا نام برد. علاوه بر این، برخی از واردکنندگان و شرکای تجاری مهم منطقه‌ای انرژی برای کشورهای منطقه مانند ایالات متحده، اتحادیه اروپا (EU) و همچنین چین در این شبکه فرعی حضور دارند. باوجود این، ایران و عربستان سعودی به‌عنوان بازیگران اصلی این شبکه فرعی تلقی می‌شوند. زیرشبکه اسلامی همه کشورهای منطقه به‌جز اسرائیل را شامل می‌شود و خود به دو زیرشبکه سنی و شیعه تقسیم می‌شود. «ایران، عراق، بحرین و لبنان» در زیرشبکه‌های شیعی قرار دارند که ایران به‌عنوان بازیگر اصلی در آن تلقی می‌شود. عربستان سعودی و ترکیه بازیگران کلیدی در شبکه فرعی سنی و اکثر کشورهای منطقه کنونی هستند (Noi, 2014:3-5).

بررسی نظام ژئوپلیتیکی حاکم بر جنوب غرب آسیا در دهه اخیر بیان‌کننده پنج حوزه رقابت و تضاد میان ایران و عربستان سعودی بوده است: عراق، یمن، لبنان، بحرین و سوریه. ویژگی مهم این پنج حوزه اتصال مسائل خلیج فارس و حوزه مدیترانه در قالب رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان سعودی تحت تأثیر دو عامل ژئوپلیتیک و ایدئولوژی در کنار نقش ساختاری ایالات متحده بوده است. اهمیت هرکدام از این مناطق برای ثبات و امنیت در خلیج فارس و آسیای جنوب غربی باعث شده تا رقابت در آن‌ها به بازیگران منطقه‌ای محدود نشده است و طیف گسترده‌ای از بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را در برگیرد (ساعی و علیخانی، ۱۳۹۲، ۱۱۸).

نقشه ۲: مهم‌ترین کانون‌های فضایی رقابت ایران و عربستان در آسیای جنوب غرب



ترسیم: نگارندگان

عراق: منافع عربستان سعودی در عراق در نقطه مقابل ایران تعریف می‌شود. تغییر نظم سیاسی عراق که به صورت پیدایش دولت مستقل و دموکراتیک در همسایگی عربستان سعودی ظهور و بروز پیدا کرده، مایه دلهره و تشویش خاطر دولتمردان سعودی شده است؛ به این دلیل که دولت عراق تنها دولت عرب خلیج فارس است که در فرایندی انتخاباتی، سکان‌دار امور شده است و این به معنای بیدارباشی برای اعراب منطقه از جمله مردم عربستان سعودی است که برای سالیان متمادی تحت حکومت خاندان‌های سلطنتی قرار گرفته‌اند. نفس فرایند دموکراتیک در عراق، شاید چندان تهدیدکننده منافع عربستان سعودی نباشد؛ محصول و مولود این مردم‌سالاری که عراق متحد با ایران را منتج می‌شود باعث شده تا پایه‌های ادعای ریاض مبنی بر قدرت فائده بودن در منطقه، دستخوش تزلزل شود (زارع، ۱۳۹۵).

سوریه: یکی دیگر از حوزه فضایی رقابت ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در آسیای جنوب غربی سوریه است. در سوریه رقابت ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در این دوره زمانی مشاهده شده است (موسوی شهیدی و همکاران، ۱۴۰۰). شاید سوریه مهم‌ترین حوزه‌ای باشد که از آغاز تحولات موسوم به بهار عربی، محل رقابت ژئوپلیتیکی و درگیری اندیشه‌ها و اقدامات جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بوده است. درواقع سوریه که از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی ایران تاکنون از دوستان و متحدین ایران در سطح منطقه خاورمیانه بوده است، با آغاز تحولات در سطح منطقه و وقوع انقلاب در تونس، مصر و لیبی، به صحنه تظاهرات

و راهپیمایی مردم تبدیل شد. این اعتراضات ابتدا به صورت مسالمت آمیز برگزار می شد؛ اما با وارد شدن عناصر بیگانه و ورود کشورهای غربی و منطقه‌ای (ترکیه، عربستان و دیگر کشورهای عربی) و دیگر بازیگران غیردولتی (نیروهای افراطی از قبیل داعش و جبهه النصره) به صحنه تحولات داخلی این کشور، فضای داخلی سوریه متشنج شد و به سمت درگیری و جنگ داخلی سوق پیدا کرد. جنگی که تاکنون بیش از چند صد هزار کشته و چند میلیون آواره داشته است. در این جنگ بازیگران مختلفی از قبیل قدرت‌های جهانی (آمریکا و روسیه) و قدرت‌های منطقه‌ای (ایران و ترکیه و عربستان) و... حضور دارند و در جهت منافع و علایق ملی و منطقه‌ای خود فعالیت می‌کنند.

بحرین: در کشور بحرین اقلیت سنی در یک سده گذشته بر اکثریت شیعه حکومت کرده‌اند و با دلارهای نفتی و حمایت کشورهای خارجی (انگلستان، آمریکا و سپس عربستان سعودی) توانسته‌اند از پس جنبش‌های اصلاحی مختلف برآمده و تاکنون به حکومت خود بر مردم بحرین ادامه دهند. درحالی‌که بسیاری از کشورهای خاورمیانه تحت تأثیر موج خیزش‌ها قرار گرفتند که معمولاً بیداری اسلامی نامیده می‌شود، بحرین یکی از کشورهایی بود که بیشترین آسیب را دید. دلیل این امر دو چیز بوده است: اول، اختلافات فرقه‌ای بحرین و دوم، دخالت ایران و عربستان سعودی در حالت درگیری نیابتی در خاک بحرین. ریشه‌های بیداری اسلامی در بحرین را می‌توان از سال ۱۹۹۹ و زمانی که حمد آل خلیفه به عنوان امیر و سپس پادشاهی بحرین بر سر کار آمد جستجو کرد. ادامه ساختار استبدادی و همچنین عدم اجرای اصلاحات اساسی بر نارضایتی‌ها افزود. پس از قیام‌های تونس و مصر، بسیاری از شهروندان بحرینی بی‌قرار شدند و برای «روز خشم» در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ به خیابان‌ها آمدند. اگرچه اکثریت معترضان شیعه بودند، این در ابتدا یک اعتراض فرقه‌ای نبود. بلکه به دلیل درخواست اصلاحات سیاسی و دموکراتیک و واگذاری درجه‌ای از قدرت از پادشاهی به پارلمان منتخب بود. اعتراضات عموماً مسالمت آمیز بود و از انتقاد مستقیم از ملک حمد اجتناب می‌شد؛ اگرچه پاسخ نیروهای امنیتی دولت سنگین بود. تحریک بیشتر معترضان منجر به تکامل اعتراضات شد. پس از یک دوره طولانی درگیری با نیروهای امنیتی و کشته‌های متعدد، معترضان میدان مروارید در منامه را اشغال کردند. در ۱۴ مارس، یک ماه پس از شروع اعتراضات، بحرین به بند امنیتی شورای همکاری خلیج فارس استناد کرد که باعث ورود نیروهای سعودی و شورای همکاری خلیج فارس تحت حمایت نیروهای سپر شبه‌جزیره شد (Mabon, 2012). اعتراضات با دخالت نیروهای سپر در بحرین سرکوب شد. جمهوری اسلامی ایران ورود عربستان به بحرین را منافی اصول دموکراسی و حق تعیین سرنوشت ملت‌ها به‌وسیله خودشان دانسته و معتقد است که عربستان به دخالت در امور داخلی کشور دیگری پرداخته و حق تعیین سرنوشت ملت بحرین که در قاموس حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است را نقض کرده است. این مسئله و

مشاجرات و اختلافات ایران و عربستان بر سر موضوع بحرین باعث شده است تا عده‌ای بحرین را یکی دیگر از کشورهایی قلمداد کنند که نبرد نیابتی ایران و عربستان در آنجا به وقوع پیوسته است. درواقع این افراد معتقدند با وقوع شورش‌ها در بحرین، این امکان برای ایران به وجود آمده است تا با کمک به شورشیان بحرین، جای پای در کناره مرزهای عربستان برای خود پیدا کند و با اعمال نفوذ و قدرت در مقابل رقیب سنتی خود (عربستان) به موازنه در مقابل آن بپردازد.

یمن: یمن یکی دیگر از حوزه‌های رقابت ژئوپلیتیکی بین ایران و عربستان در آسیای جنوب غربی پس از انقلابات عربی است. درحالی‌که اکثریت مردم این کشور شیعه‌مذهب هستند، حکومت‌های آن در طول تاریخ عمدتاً سنی بوده‌اند و از آنجاکه این کشور همسایه جنوبی عربستان سعودی است، در کنار اهمیت ایدئولوژیک (ترویج وهابیت در آنجا) دارای اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک بسیاری برای عربستان سعودی است. با شروع تحولات موسوم به بیداری اسلامی (بهار عربی) در خاورمیانه، یمن نیز دستخوش تحولات شد؛ تحولاتی که نهایتاً منجر به سقوط علی‌عبدالله صالح و جایگزینی دولت موقت به جای حکومت وی شد؛ اما دولت موقت نیز نتوانست یمن را آرام کند و با گسترش شورش‌ها و تظاهرات مردمی در این کشور، گروه موسوم به «حوثی‌ها» که گروهی شیعی (زیدی) هستند موفق به در اختیار گرفتن پایتخت این کشور شدند و به نیروی سیاسی عمده در یمن تبدیل شدند. عربستان که همواره یمن را به عنوان حیاط خلوت خود می‌دانست از این اتفاقات برآشفته شد و کمافی‌السابق دست دشمنان خارجی و در رأس آن‌ها ایران شیعی را در تحولات یمن به جهانیان نشان می‌داد و با این بهانه که جمهوری اسلامی ایران در پی در دست گرفتن یمن از طریق حوثی‌ها و تهدید امنیت ملی عربستان است به این کشور حمله نظامی کرد. درواقع پیروزی حوثی‌ها در یمن و به دست گرفتن قدرت در این کشور برای عربستان هیچ تعریفی به جزء افزایش قدرت و نفوذ ایران در منطقه و در کنار مرزهای این کشور ندارد و به همین دلیل است که حکام این کشور با درک این خطر، بلافاصله به موضع‌گیری نظامی و ارسال نیروهای خود به داخل مرزهای یمن و مقابله با حوثی‌ها پرداخته‌اند؛ اما جمهوری اسلامی ایران، در کنار حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیک از مردم این کشور برای در اختیار گرفتن سرنوشت سیاسی‌شان، همواره دخالت نظامی و کمک‌رسانی تجهیزاتی به حوثی‌ها را انکار کرده و خواهان خروج نیروهای عربستان از یمن شده است؛ اما ورای همه این مسائل، برای بسیاری از تحلیل‌گران وقایع یمن جنگ نیابتی و رقابت ژئوپلیتیکی دیگری بین جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی است؛ مسئله‌ای که در کنار دیگر تحولات آسیای جنوب غربی نشان‌دهنده عمق اختلافات ایران و عربستان است.

رقابت موقعیتی

رقابت موقعیتی بیشتر ناظر بر رقابت اقتصادی، نظامی و استراتژیک و همچنین تلاش برای نفوذ ژئوپلیتیکی در منطقه آسیای جنوب غربی است.

از بعد ژئواستراتژیک، دوران مهم رقابت استراتژیک ایران و عربستان سعودی پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ دیده می‌شود. این حمله اثرات لرزه‌ای بر منطقه خاورمیانه و به‌ویژه روابط دیپلماتیک ایران و عربستان سعودی داشت. حمله آمریکا به عراق باعث رقابت با ایران شد که توسط عربستان سعودی حمایت می‌شد؛ برای مثال، رهبران سیاسی عراقی که در ایران در تبعید بودند، به عراق بازگشتند، که این عامل تهران را دارای نفوذ زیادی در دولت عراق پس از سال ۲۰۰۳ کرد (Mahmood et al, 2020). بنابراین پس از حمله آمریکا به عراق نفوذ ایران در عراق افزایش یافته است. این عامل منجر به رقابت بین ایران و عربستان شد. زمانی که عربستان سعودی و اسرائیل به‌صورت گفتمانی ایران را به‌عنوان یک تهدید وجودی برای امنیت منطقه معرفی کردند، رقابت بین دو کشور بیشتر شد (Mabon, 2018).

رقابت ژئوپلیتیکی بین دو کشور منجر به افزایش خرید تسلیحات توسط دو کشور شده است. بر اساس گزارش سالانه بلومبرگ در سال ۲۰۱۵، افزایش خرید تسلیحات توسط عربستان سعودی، به افزایش بیش از ۱۰ درصدی فروش جهانی تسلیحات در سال ۲۰۱۵ کمک کرد. شرکت مشاوره «آی اچ اس»^۱ در گزارش تجارت جهانی دفاعی خود اعلام کرد که بازار دفاعی جهان در سال ۲۰۱۵ به ۶۵ میلیارد دلار رسید که ۶،۶ میلیارد دلار نسبت به سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است. طبق گفته شرکت مستقر در انگلوند، این بزرگ‌ترین افزایش سالانه در دهه گذشته است. درحالی‌که خرید عربستان حدود ۵۰ درصد افزایش یافت و به ۹،۳ میلیارد دلار رسید، رشد خرید تسلیحات در بسیاری از کشورهای آسیای جنوب غربی مشاهده شده است (syeed, 2016).

علاوه بر این، بیداری اسلامی شکاف بین فرمانروا و فرمان‌بردار را در بین کشورهای عربی آشکار کرد و زمینه رقابت ژئوپلیتیکی را در منطقه باز کرد. قیام اعراب که در سال ۲۰۱۰ آغاز شد فرصت‌هایی را برای ایران و عربستان سعودی فراهم کرد. به‌عنوان مثال، سوریه و بحرین که بر اساس «خطوط فرقه‌ای» تقسیم شده‌اند، برای ایران و عربستان سعودی یک زمینه رقابت ایجاد کردند تا در پی موقعیت منطقه‌ای بهتر در جنوب غرب آسیا عمل کنند. در مورد سوریه، نیروهای نخبه ایرانی در طراحی استراتژی حکومت بشار اسد برای شکست معترضان و دیگر گروه‌های اسلام‌گرا کمک کردند. امنیت سوریه تاکنون به‌شدت تحت تأثیر ایران و حمایت‌های آن قرار داشته است. در مورد بحرین، عربستان سعودی به‌وسیله نیروهای سپر خود در شبه جزیره عربستان از خاندان حاکم آل خلیفه در بحرین در برابر فعالیت‌های ایران حمایت کرد (Mabon, 2012;)

1. IHS

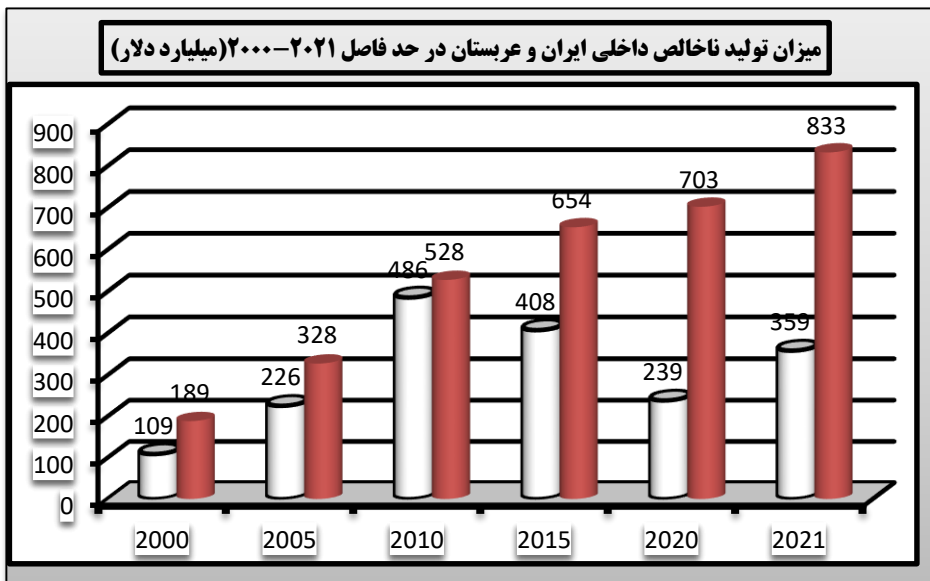
عربستان زمانی تشدید شد که ایالات متحده و عربستان سعودی با حمایت از اسرائیل در صورت به رسمیت شناختن، متحد شدند. این وضعیت امنیت جنوب غرب آسیا را بیشتر به هرج و مرج سوق داده است (Hussain, 2020; Gul et al, 2021).

بهبود اخیر روابط اسرائیل با کشورهای عربی منجر به روندهای جدیدی در امنیت خاورمیانه شده است. در چهارچوب همکاری‌های راهبردی، توافق اسرائیل و امارات و روند عادی‌سازی روابط در قالب صلح ابراهیم برای ایران خطرناک خواهد بود. کارشناسان ارزیابی کرده‌اند که توافق امارات متحده عربی و اسرائیل در بعد غیرنظامی تأثیرات گسترده‌ای بر بعد نظامی روابط دو کشور خواهد داشت. از آنجایی که این توافق اکنون در بعد تجارت، فناوری، گردشگری را شامل می‌شود اما بر اساس دیدگاه دو کشور معضل امنیتی مشترک آن‌ها ایران را در بر می‌گیرد، و اسرائیل و امارات هر دو اعلام کرده‌اند همکاری در زمینه‌های نظامی را بررسی خواهند کرد. امارات متحده عربی قبلاً منافع خود را در «سیستم دفاع موشکی گنبد آهنین» اسرائیل نشان داده است (Azodi, 2020). خرید چنین فناوری پیشرفته نظامی از اسرائیل، ایران را در موقعیتی نامطمئن در ترتیبات امنیتی آسیای جنوب غرب قرار خواهد داد.

بحرین علاوه بر خرید تسلیحات نظامی از اسرائیل، تمایل خود را برای خرید جت‌های اف-۳۵ از آمریکا نیز اعلام کرده است. بحرین با دستیابی به جت‌های اف-۳۵ به دومین کشور خاورمیانه با پیشرفته‌ترین هواپیماهای جنگنده جهان تبدیل خواهد شد (Atwood & Cohn, 2020). علاوه بر این، امارات، بحرین، عمان در حال بهبود روابط با اسرائیل هستند. عربستان سعودی با حفظ توازن قوا در آسیای جنوب غرب، مخفیانه با اسرائیل علیه ایران همکاری کرده است (Gul et al., 2021).

از نظر اقتصادی، هم عربستان سعودی و هم ایران از نظر منابع نفت غنی هستند که رقابت اقتصادی را بین آن‌ها ایجاد می‌کند. بر اساس آمار بانک جهانی در سال ۲۰۲۱ دو کشور ایران و عربستان در کنار ترکیه و رژیم اسرائیل از نظر شاخص تولید ناخالص داخلی در آسیای جنوب غربی کشورهای پیشرو هستند. بررسی وضعیت اقتصادی ایران نیز نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۲۱، ۳۵۹ میلیارد دلار بوده است که ۴۰۹۱ دلار سرانه تولید ناخالص داخلی ثبت شده است. نرخ رشد اقتصادی ۴٫۷ درصد برای ایران ثبت شده که نشان‌دهنده رشد اقتصادی بهتر نسبت به سال ۲۰۲۰ دارد که تولید ناخالص داخلی ۲۳۹ میلیارد دلار بوده است. باید به این آمار درصد بیکاری ۱۱٫۷ درصدی و همچنین تورم ۴۳ درصد را اضافه کرد که نیاز به کار بیشتر در این زمینه‌ها احساس می‌شود. بررسی وضعیت اقتصادی عربستان در سال ۲۰۲۱ نشان‌دهنده تولید ناخالص داخلی ۸۳۳ میلیارد دلاری است که به ازای هر نفر ۲۳۱۸۵ دلار سرانه تولید ناخالص داخلی ثبت شده است. نرخ رشد اقتصادی ۳٫۲ درصد، درصد بیکاری ۷٫۴

درصد و تورم ۳,۱ درصد نشان دهنده رشد اقتصادی خوب این کشور بوده است (Imf, 2023). در ادامه در جدول زیر وضعیت تولید ناخالص داخلی دو کشور مورد مقایسه قرار گرفته است. شکل شماره ۴: میزان تولید ناخالص داخلی ایران و عربستان در حد فاصل ۲۰۰۰-۲۰۲۱ (میلیارد دلار)



منبع: Imf, 2023 (ترسیم: نگارنده).

بدون شک، عربستان سعودی و ایران در حال گسترش تجارت خود از طریق تولید و ذخیره نفت در کشورهای صادرکننده نفت و سازمان اوپک هستند. در دوران پس از توافق هسته‌ای در قالب برجام، ایران نسبت به عربستان در زمینه بازارهای نفتی باز برای کشورهای انرژی برتری داشت و به همین دلیل بوده که همواره نفت نسبت به دیگر کالا زمینه رقابتی بیشتری ایجاد کرده است. پس از خروج آمریکا از برجام و تعاملات گسترده آن با عربستان میزان تعاملات انرژی عربستان نسبت به ایران افزایش پیدا کرده است. انگیزه‌های اقتصادی بین ایران و عربستان رقابت استراتژیک بین آنها را افزایش داده است در کنار این عامل تلاش برای برتری در منطقه، رقابت-های نظامی و ژئواستراتژیک و همچنین تلاش برای نفوذ ژئوپلیتیکی در منطقه تأثیر گذار است.

رقابت اندیشه‌ای

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و تمایزات ژئوپلیتیکی ایران و عربستان سعودی بحث اندیشه حاکم بر دو کشور است. در ایران اندیشه حاکم اسلام شیعی است و در عربستان فرقه اهل سنت با تعبیر وهابی است. بر این اساس، تحولات مهم ژئوپلیتیکی طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰ ازجمله ارتقای جایگاه شیعه در سیاست منطقه‌ای، موضوع برنامه هسته‌ای ایران و ناآرامی‌های جهان

عرب که به بیداری اسلامی معروف است، با تمایزات ژئوپلیتیکی تهران و ریاض پیوند تنگاتنگی داشته است. این تحولات به رقابت بین ایران و عربستان سعودی در جنوب غرب آسیا منجر شد؛ زیرا نقش ایران در چهار حوزه خاص یعنی «عراق، لبنان، بحرین و سوریه» برجسته شده است.

ویژگی مهم این مناطق، ارتباط خلیج فارس و منطقه مدیترانه در قالب رقابت ژئوپلیتیکی و منطقه‌ای تهران و ریاض بوده است. اهمیت هر یک از این مناطق برای ثبات و امنیت خلیج فارس و خاورمیانه باعث شد که رقابت به بازیگران منطقه‌ای محدود نشود؛ زیرا طیف گسترده‌ای از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را شامل می‌شود. تحول اولیه، ترویج شیعه در سیاست‌های منطقه‌ای به نفع ایران بوده است. سقوط صدام و قدرت گرفتن شیعیان در عراق و پیروزی حزب‌الله بر اسرائیل در سال ۲۰۰۶، نقش رهبری ایران در تقویت و تحکیم موقعیت و جایگاه شیعیان در منطقه و در نتیجه ارتقای جایگاه ایران در آسیای جنوب غربی را منجر شد. اهمیت جنگ ۲۰۰۶ در این واقعیت بود که منطقه در حال تجربه شرایط بحرانی بود. ظهور شیعیان در عراق و وضعیت شکننده این کشور به دلیل خشونت‌های فرقه‌ای به‌ویژه از اوایل سال ۲۰۰۵ ظهور حماس در فلسطین، مبارزه طولانی‌مدت علیه القاعده در افغانستان و پاکستان، شورش طالبان و اعراب، رشد و گسترش فعالیت حوثی‌ها در یمن، نگرانی از نفوذ فزاینده شیعیان در میان شبه‌جزیره عربستان و منطقه مدیترانه ... وقایعی بودند که تحت تأثیر رقابت‌های هویتی بین ایران و عربستان در آسیای جنوب غربی شکل گرفت و تداوم یافته است (Alikhani & Zakerian, 2016).

دو کشور بر مبنای ایدئولوژی متفاوت یکی با ایدئولوژی انقلابی شیعه، احیاگر اسلام سیاسی، نظام سیاسی ولایت فقیه و داعیه‌دار حکومت مردم‌سالاری دینی، ضد استکباری و مخالف با حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه و دیگری دارای ایدئولوژی بنیادگرا، اهل سنت با قرائت وهاب‌گرایی، دارای پشتوانه خاستگاه جهان اسلام، مدعی رهبری جهان عرب، هم‌پیمان غرب و مدافع حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه است. رهبران سیاسی عربستان، خود را «خادمین حرمین شریفین» می‌دانند و با اتکا به وجود قبله مسلمانان در این کشور و وجود دلارهای نفتی در تلاش برای گسترش حوزه نفوذ خود در منطقه و جهان اسلام هستند. جمهوری اسلامی ایران با هویت شیعی، احیاگر اسلام سیاسی و ارزش‌های اسلامی و مدعی رهبری جهان اسلام است و خود را «ام‌القرای جهان اسلام» می‌داند و رهبر جمهوری اسلامی ایران به نام «رهبر ولی امر مسلمین» خوانده می‌شود (ویسی، ۱۳۹۷: ۱۶۴). وجود درآمدهای بی‌زحمت سرشار نفت در دو کشور به‌ویژه در عربستان سعودی (دولت‌های رانتیر) باعث شده است تا رهبران سیاسی دو کشور برای توسعه و ترویج اندیشه‌های ایدئولوژیک خود منابع مالی کافی در اختیار داشته باشند. سهم اندک مالیات در بودجه دولت و اتکای بسیار زیاد این دولت‌ها به درآمدهای ارزی نفتی باعث شده تا امیال و خواسته‌های دولت‌های رانتیر با استقلال بیشتری انجام شود.

بر مبنای تفاوت‌های ایدئولوژیک، تقریباً هر دو کشور به رویدادها و حوادث انقلابی، سیاسی، امنیتی و حتی اقتصادی و اجتماعی در منطقه و کشورهای پیرامونی نگاه متفاوتی داشته‌اند و این تفاوت‌ها در بسیاری از موارد منجر به رقابت، تنش، منازعه و چالش‌های ژئوپلیتیکی شده است. علاوه بر رقابت در منطقه خلیج فارس، ورود به کشورهای ثالث و رقابت بر سر حوزه‌های نفوذ در کشورهای سوریه، لبنان، فلسطین، عراق و یمن بخشی از رفتارهای سیاسی دو قدرت منطقه‌ای در سال‌های گذشته بوده است. جنگ‌های نیابتی دو قدرت منطقه ایران و عربستان توسط گروه‌های فعال در جنگ‌های داخلی در سوریه، یمن و حتی عراق در چهارچوب ایدئولوژیک منطقه‌ای این دو رقیب بوده است. در سال‌های اخیر، رویدادها، مصداق‌ها و موارد سیاسی و بین‌المللی بسیار زیادی در منطقه خلیج فارس روی داده است که با نگاه ایدئولوژیک دو قدرت منطقه‌ای تفسیر و تحلیل شده، و بر پیچیدگی و دامنه بحران ژئوپلیتیکی و ناپایداری و ناامنی منطقه‌ای افزوده است.

نقشه شماره ۳: حوزه‌های نفوذ مذهبی ایران و عربستان در آسیای جنوب غرب



ترسیم: نگارندگان

موضوع برنامه هسته‌ای ایران به‌عنوان یک دغدغه مهم ژئوپلیتیکی در این دوره با ابعاد ژئوپلیتیکی و ساختاری و نیز بعد هویتی در داخل ایران مرتبط است. علاوه بر این، برخورد انتقال منطقه‌ای و تشدید چالش هسته‌ای ایران و غرب ازجمله دلایل توسل عرب محافظه‌کار به هلال شیعی و نیز دلیلی برای برهم زدن توازن قدرت منطقه بوده است. ناآرامی در جهان عرب به‌عنوان یکی دیگر از تحولات مهم، رقابت بین عربستان سعودی و ایران را بیش از هر زمان

دیگری مطرح کرد. درحالی‌که در ابتدا تعبیر عربستان سعودی از بی‌ثباتی‌های جدید مبتنی بر درک تهدید بود، ایران آن‌ها را فرصتی جدید برای خود تلقی می‌کرد و در نتیجه ایران در صدد حمایت از توسعه وضعیت موجود در تونس، مصر و بحرین برآمد. درحالی‌که عربستان سعودی از ثبات خود و متحدانش در شورای همکاری خلیج فارس حمایت می‌کرد، وضعیت موجود را در برابر آشفته‌گی حفظ کرد و برعکس از ناآرامی‌ها در سوریه حمایت کرد و حمایت خود از ناآرامی‌های سوریه از سطح دیپلماتیک به سطح مالی و نظامی از مخالفان سوری بشمار اسد گسترش داد (Cordesman et al. 2011).

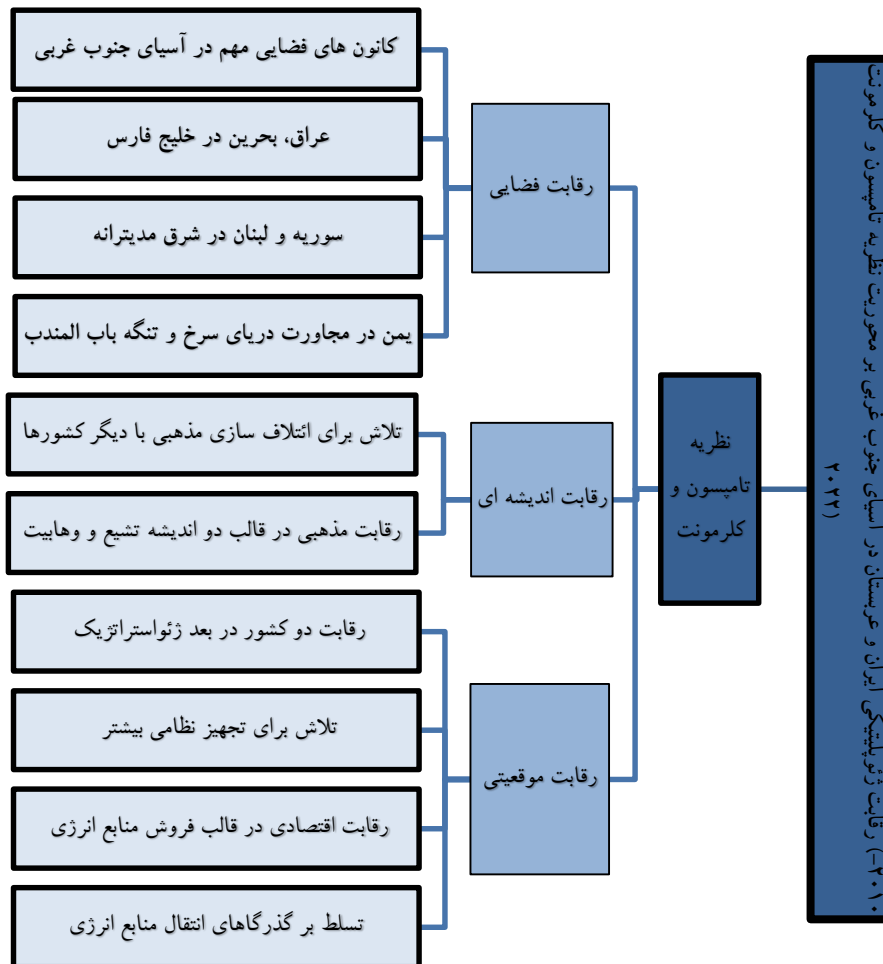
با گسترش نفوذ بین‌المللی ایران از سال ۲۰۰۶ پایه‌های موضوعی به نام «موازنه تهدید» فراهم شد. جمهوری اسلامی ایران و متحدان منطقه‌ای آن از جمله کشورها (ایران، عراق و سوریه) و بازیگران غیردولتی (نظیر حزب‌الله و حماس) به‌عنوان نیروی تهدیدکننده از نظر اعراب و آمریکا در این فضا، به‌عنوان «مثلث دولت-فضا» اعلام شدند که توانستند بر جنوب غرب آسیا نفوذ کنند. بنابراین اتحاد نانوشته‌ای از آمریکا، اعراب و اسرائیل علیه ایران شکل گرفت؛ اما برخلاف گذشته، عربستان سعودی سیاست‌های دفاعی خود را کنار گذاشت و سیاست‌های تهاجمی خود را به‌ویژه پس از تحولات عراق در اوج ناآرامی‌های جهان عرب در پیش گرفت. اقدامات عربستان سعودی در عراق، بحرین و سوریه نقش مهمی در ترویج فرقه‌گرایی و درگیری مذهبی در منطقه ایفا کرد. ایران برخلاف عربستان سعودی نقش فعالی در تحولات منطقه‌ای از عراق تا لبنان داشت. در نتیجه چنین کارکردی، دو محور «شیعه-سنی» به رهبری ایران و عربستان سعودی در حال تکمیل و رقابت با یکدیگر بودند. تحولات داخلی و منطقه‌ای این دوره، ایران را به سمت و سویی متفاوت از گذشته در خلیج فارس و خاورمیانه سوق داده است. عربستان سعودی تحت تأثیر تحولات کلیدی منطقه‌ای و بین‌المللی تلاش کرد تا «همکاری خود را به‌عنوان یک هماهنگ‌کننده منطقه‌ای و ایجاد اجماع از طریق اتخاذ دیپلماسی ماهرانه» علیه ایران ایجاد کند (Alikhani & Zakerian, 2016).

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

رقابت ژئوپلیتیکی به عنوان یکی از ابعاد مهم روابط کشورها مطرح شده است و بر نقش زمینه‌ها و مؤلفه‌های جغرافیایی در روابط کشورها تأکید می‌کند. در این میان اندیشمندانی نظیر «فردریک راتزل، توماس هومر و دیکسون، ریچارد اشلی، لوئیز ریچاردسن، جفری کمپ و رابرت هارکاو، ساموئل هانتینگتون و تامپسون و کلرمونت» در حوزه رقابت ژئوپلیتیکی نظریه‌های شناخته‌شده‌ای ارائه کردند که در این پژوهش نظریه تامپسون و کلرمونت که یکی از نظریه‌های قالب و مهم در حوزه ژئوپلیتیکی شناخته می‌شود مبنا قرار گرفته که روابط ایران و عربستان در بازده زمانی ۲۰۱۰-۲۰۲۲ و بعد از بیداری اسلامی بر محوریت آن مورد بررسی قرار گیرد. تامپسون و کلرمونت در نظریه خود بر سه بعد و زمینه مهم در رقابت ژئوپلیتیکی کشورها یعنی

رقابت فضایی، رقابت موقعیتی و رقابت اندیشه‌ای تأکید دارند که بررسی رقابت ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در دوره زمانی مذکور بیانگر وجود هر سه بعد در رقابت دو کشور است. در ادامه در شکل ذیل مدل رقابت دو کشور بر محوریت نظریه تامپسون و کلمونت آورده شده است.

شکل ۵: مدل تحلیلی یافته‌های پژوهش



(ترسیم: نگارندگان)

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان‌دهنده رقابت ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در منطقه آسیای جنوب غرب در حد فاصل (۲۰۱۰-۲۰۲۲) و بعد از انقلابات عربی در سه بعد مهم «رقابت فضایی»، «رقابت موقعیتی» و «رقابت اندیشه‌ای» بوده است. در بعد رقابت فضایی، رقابت دو کشور در عراق، سوریه، یمن، لبنان و بحرین بوده داشته است. باید گفت که هر دو کشور در این فضاها، جغرافیایی به دنبال شکل دادن به نظم ژئوپلیتیکی مدنظر خود بوده‌اند. در بعد رقابت موقعیتی، رقابت دو کشور در ابعاد ژئواستراتژیک و نظامی و همچنین اقتصادی مشاهده می‌شود. رقابت نظامی دو کشور در قالب حمایت نظامی ایران از گروه‌های شیعی منطقه و همچنین حمایت عربستان به وسیله نیروهای سپر خود در شبه جزیره عربستان و حمایت از حکومت‌های پادشاهی و همچنین رشد و گسترش گروه‌های تروریستی بوده داشته است. باید گفت این رقابت ژئواستراتژیک ایران و عربستان زمانی تشدید شد که ایالات متحده و عربستان سعودی با حمایت از اسرائیل در صورت به رسمیت شناختن، متحد شدند. این وضعیت امنیت جنوب غرب آسیا را بیشتر به هرج و مرج سوق داده است. در بعد اندیشه‌ای نیز رقابت دو کشور در ابعاد هویتی و ایدئولوژیک بوده داشته است. شاید یکی از دلایل اصلی رقابت دو کشور رقابت‌های تاریخی و تمدنی در قالب دو اندیشه شیعه و وهابیت بوده است. این رقابت اندیشه‌ای از یک سو منجر به تقسیم فضایی و ایجاد قلمروهای ژئوپلیتیکی (ایجاد فضای دوقطبی و تشکیل دو اردوگاه) بر اساس ایدئولوژی شیعی و محور مقاومت (ایران، عراق، سوریه، لبنان و فلسطین) به رهبری ایران در برابر ایدئولوژی سنی‌گری و وهابی (عربستان سعودی، کویت، بحرین، امارات متحده عربی) به رهبری عربستان سعودی شده و از سوی دیگر منجر به رقابت شدید برای گسترش حوزه نفوذ و انبساط قلمروی ژئوپلیتیکی خود در فضاها، جدید (مانند یمن، غزه، افغانستان) و تلاش برای نفوذ در قلمرو ژئوپلیتیکی رقیب (مانند تلاش عربستان برای نفوذ در عراق و تلاش ایران برای ارتباط نزدیک با قطر) و همچنین تلاش برای انقباض قلمروی ژئوپلیتیکی رقیب شده است. بر محوریت همین تفاوت‌های ایدئولوژیک بین دو کشور رهبران سیاسی عربستان خود را «خادمین حرمین شریفین» می‌دانند و جمهوری اسلامی ایران با هویت شیعی، احیاگر اسلام سیاسی و ارزش‌های اسلامی و مدعی رهبری جهان اسلام است و خود را «ام‌القرای جهان اسلام» می‌داند.

کتابنامه

- حافظ نیا، محمدرضا؛ رومینا، ابراهیم، (۱۳۹۶)، تأثیر علائق ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در ایجاد چالش‌های منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا، *تحقیقات جغرافیایی*، ۳۲(۲)، ۹-۲۰.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ رومینا، ابراهیم، (۱۳۹۶)، تحول روابط ایران و عربستان و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک خلیج فارس، *تحقیقات جغرافیایی*، ۷۷(۲۰)، ۶۶-۸۲.
- روحی دهنه، مجید، (۱۳۹۷)، تحلیل ژئوپلیتیکی رقابت‌های ایران و ترکیه متأثر از تحولات خاورمیانه از سال ۲۰۱۱ میلادی، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۱۴(۱)، ۱۱۳-۱۴۷.
- زارعی، بهادر؛ موسوی شهیدی، سیدمهدی، (۱۴۰۰)، تبیین بسترها و زمینه‌های روابط ژئوپلیتیکی در منطقه خلیج فارس، *روابط خارجی*، ۵۲(۱۳)، ۸۴۹-۸۷۸.
- مازندرانی، دریا؛ جان پرور، محسن، (۱۳۹۹)، طراحی مدل مفهومی در مناسبات ژئوپلیتیک در جنوب غرب آسیا، *فصلنامه آمایش سیاسی فضا*، ۲(۴)، ۲۴۷-۲۵۵.
- موسوی شهیدی، سید مهدی؛ زارعی، بهادر (۱۴۰۱)، ارزیابی اختلافات ژئوپلیتیک در منطقه خلیج فارس (نمونه‌ای از اختلافات درونی جهان اسلام)، *مطالعات سیاسی جهان اسلام* ۱۱(۳)، ۵۳-۷۰.
- ویسی، هادی، (۱۳۹۸)، رقابت‌های ژئوپلیتیکی عربستان سعودی و ایران و ضرورت گذار از ژئوپلیتیک ایدئولوژیک به ژئواکونومی در منطقه خلیج فارس، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۹(۱)، ۲۱۹-۲۴۰.

References

- Atwood, K., & Cohn, Z. (2020, August 20). Kushner's secret push to sell F-35 jets to UAE causes frustration among US agencies and lawmakers. CNN Politics. <https://edition.cnn.com/2020/08/20/politics/kushner-uae-israel-f-35-fighter-jet/index.html>.
- Azodi, S. (2020, August 20). Why is Iran concerned about the peace agreement between the UAE and Israel? Atlantic Council. <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/why-is-iran-concerned-about-the-peace-agreement-between-the-uae-and-israel>.
- Blackwell, M. (2006). Political Geography, Routledge Press.
- C.S. Gray(2013), Perspectives on Strategy, Oxford: Oxford University Press, 2013, p 125. 5
- Clermont, Jean (2002); "Regional Rivalries in Northeast Asia", Monograph, Department of Political Science University of British Columbia
- Czulda Robert (2019), Russia Is a Clear Winner in US-Iran Tensions, <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/russia-is-a-clear-winner-in-us-iran-tensions>
- G.R. Sloan(2020), Geopolitics in United States Strategic Policy 1890-1987, Brighton: Wheatsheaf Books, 1988 p 8.

- Gul, A., Abbasi, R. K., & Haider, S. A. (2021). Iran and Saudi Arabia's strategic rivalry and the Middle Eastern security: An assessment. *Liberal Arts and Social Sciences International Journal (LASSIJ)*, 5(2), 17-29.
- J.J. Grygiel(2006), *Great Powers and Geopolitical Change*, Baltimore: John Hopkins University Press, , pp 24-25.
- Kemp, G., & Harkavy, R. E. (1998). [BOOK REVIEW] Strategic geography and the changing Middle East. *Middle East Journal*, 52(2), 304-305.
- Kovalev, V. V., Kasyanov, V. V., Bortsov, Y. S., Goloborodko, A. Y., & Skudnova, T. D. (2017). The increase in geopolitical competition as a challenge (threat) to Russia's national security.
- Mabon, S. (2012). The Battle for Bahrain: Iranian-Saudi Rivalry. *Middle East Policy*, 19(2), 84.
- Mabon, S. (2013). *Saudi Arabia and Iran: Soft power rivalry in the Middle East*. IB Tauris.
- Mahmood, A., Wajid, S., & Sherazi, T. Z. (2020). Impact of Arab Spring on Egypt: An Analysis of Opportunities and Challenges. *Journal of Humanities, Social and Management Sciences*, 1(1), 30-43. <https://doi.org/10.47264/idea.jhsms/1.1.3>
- Mahmood, A., Munir, F., & Naomi, S. S. (2020). The Plight of a Nation without a State: An Analysis of the Struggle of Kurds for an Independent State. *Liberal Arts and Social Sciences International Journal (LASSIJ)*, 4(2), 400-412. <https://doi.org/10.47264/idea.lassij/4.2.31>.
- Markowitz, J. N., & Fariss, C. J. (2018). Power, proximity, and democracy: Geopolitical competition in the international system. *Journal of Peace Research*, 55(1), 78-93
- Petta , De Leon (2019), *Delimiting Geopolitics: A formal approach to define the Geopolitical Subject* April 2019.Revista Brasileira de Estudos de Defesa 5(1):41 (DOI:10.26792/RBED.v5n1.2018.75036).
- R. Aron(2019), *Peace and War*, London: Weidenfeld and Nicolson, p 191.
- Rouhi Dehboneh, M. (2018). Geopolitical analysis of Iranian-Turkish competitions affected by the middle east developments since 2011. *Geopolitics Quarterly*, 14(49), 113-147.(In Persian)
- Tayyab, M., Afridi, S. A., & Hamid, M. (2020). Sectarian Divide as a Cause of Protracted Conflict: A Case of Syria (2011-2018). *Liberal Arts and Social Sciences International Journal (LASSIJ)*, 4(2), 294-305. <https://doi.org/10.47264/idea.lassij/4.2.23>.
- Thompson, William R (1995); "Principal Rivalries", *Journal of Conflict Resolution*, Vol. 39, No. 2.
- Ehteshami, A. (2013). *Dynamics of change in the Persian Gulf: political economy, war and revolution*. Routledge.
- Kresova, Dana(2016). " Analysis of Regional Security in the Persian Gulf and the Geopolitical Importance of the Strait of Hormuz " Published By Mendel University in Brno.